

نگاهی از چند سو به



ویراستار و ویراستاری

عبدالحسین آذرنگ



نگاهی از چند سو به

ویراستار و ویراستاری

سرشناسه: آذرنک، عبدالحسین، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور: نگاهی از چند سوبه ویراستار و ویراستاری/عبدالحسین آذرنک.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۱۹ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۴۹-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: ویراستاری
Editing
موضوع: ویراستاران
Editors
رده‌بندی کنگره: PN۱۶۲
رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۲۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۲۵۴۳۸

نگاهی از چند سوبه
ویراستار و ویراستاری

عبدالحسین آذرنگ





انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

* * *

عبدالحسین آذرنگ

نگاهی از چند سو به

ویراستار و ویراستاری

چاپ اول

۵۵۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۰۴ - ۰۴۴۹ - ۱

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0449 - 1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

- یادداشت آغازین ۷
۱. تعریف پایه، مرزی جداکننده ۱۱
۲. گونه‌های ویرایش و ویراستاران؛ درآمدی به تقسیم‌بندی ۱۹
۳. ویرایش ساختاری و محتوایی؛ و راهبردهاندیشی در آن ۵۵
۴. ویرایش تکوینی ۸۵
۵. ویرایش بر پایه چه حقی است؟ ۹۵
۶. ویرایش از دیدگاه نشر و ناشران ۱۰۵
۷. نشر و ویرایش؛ از دیدگاه نشر ویرا و کتاب‌ویرای ژاپنی ۱۱۵
۸. کتاب‌ویرایی؛ از دیدگاه صاحب‌نظری استرالیایی ۱۲۵
۹. نشر ویرایی و کتاب‌ویرایی؛ از دیدگاه صاحب‌نظری انگلیسی ۱۳۳
۱۰. نگاه تنگ و فراخ به ویرایش ۱۴۵
۱۱. آسیب‌شناسی ویرایش ۱۵۵
۱۲. آسیب‌شناسی ویرایش در ایران ۱۶۵
۱۳. چرا ویراستار ادبی کمیاب است؟ ۱۷۵
۱۴. تشکل و انسجام در عرصه ویراستاری (مانع‌ها، مشکل‌ها،
راه‌حل‌های پیشنهادی) ۱۸۷
۱۵. تاریخ تطوّر ویرایش در ایران ۲۰۵

۶ ♦ نگاهی از چند سوبه ویراستار و ویراستاری

۱۶. نکته‌هایی درباره‌ی ویراستاری و ویراستاران؛ از لابه‌لای پرمش و

پاسخ‌ها..... ۲۲۱

نمایه..... ۳۱۳

یادداشت آغازین

این کتاب از ۱۵ مقاله و یک گفتگوی بلند تشکیل شده است. چند مقاله این کتاب تازه است و بازچاپ مقاله‌های دیگر در این جا با تجدیدنظر، تغییرات، اصلاحات و تکمله‌هایی همراه است. مباحث نشر و ویراستاری به سرعت دستخوش تغییر است. فناوری‌های تازه‌ای که به این حوزه راه یافته، از جمله عامل‌های اصلی تغییر و تحول است. از این رو، تجدیدنظر در مطالب مربوط به این‌گونه مباحث و روزآمد ساختن آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

در این کتاب ۳ مقاله به قلم ۳ صاحب‌نظر ژاپنی، استرالیایی و انگلیسی است که ترجمه آن‌ها را می‌بینید. آشنایی با این برداشت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت در باب ویراستاری، از دیدگاه بررسی‌های تطبیقی، برای ما ضروری است. به نظر می‌رسد مطالبی از این دست هرچه بیشتر ترجمه و بررسی شود به سود نشر و ویراستاری ماست. مقاله صاحب‌نظر ژاپنی بارها و بارها در دوره‌هایی که مبحث «ویرایش جامع» تدریس کرده‌ام، همراه با دانشجویان روخوانی و درباره جزئیات آن بحث شده است. امیدوارم خواندن این مطلب برای ویراستاران، ناشران و خوانندگان علاقه‌مند الهام‌بخش باشد.

«گونه‌های ویرایش و ویراستاران»، مطلب فصل دوم کتاب، هم به کرات در نشست‌هایی با تنی چند از دوستان ویراستار و دانشجویان

ویراستاری به بحث گذاشته شده است. امید داشته‌ام و دارم که طرح این مطلب به ایجاد تصویر گسترده‌تری از دامنه ویراستاری و گونه‌های مختلف ویراستار کمک کند و آن را از بند برداشت تنگ دامنه رها سازد. به دلایل بسیاری که در بحث‌های مختلف در این کتاب به آن اشاره شده است، هرچه شناخت از وظایف ویراستاران و کارکردهای ویراستاری افزایش بیابد، به غنای نشر و نیز به غنای فرهنگی ما می‌افزاید.

درباره تاریخ ویراستاری در ایران، بررسی‌های تفصیلی لازم است و امیدوارم در آینده بتوانیم حاصلی از این بررسی‌ها را منتشر کنیم. در این جا فقط به طور بسیار مجمل به آن، و در واقع فقط به رئوس مطلب، اشاره شده است. این مطلب با برداشت‌ها و مفروضات رایج تفاوت‌هایی دارد که در بررسی‌های آتی باید با دلایل، مدارک و شواهد به بحث گذاشته شود تا شاید به پنداشت‌های دور از واقعیت درباره تاریخ ویراستاری در ایران پرتو تازه‌ای بتاباند.

گفتگوی مفصل در پایان کتاب، گزیده و دستچینی از چند مصاحبه مطبوعاتی درباره ویراستاری و ویراستاران و جنبه‌های مختلف آن، و نیز محصول چندین نشست گفتگو و پرسش و پاسخ با دانشجویان دوره‌های نشر و ویراستاری است. ممکن است پرسش و پاسخ‌های فراوان این قسمت به لحاظ نکته‌های تجربی، کاربردی و ملموس آن توجه شماری از نشرپژوهان و ویرایش‌پژوهان را جلب کند، زیرا پرسش‌های متنوع نشان‌دهنده مسائلی هم هست که به گونه‌های مختلف در جامعه مطرح است. همین جا از اصحاب یا ارباب رسانه‌ها و دانشجویان علاقه‌مندی که پرسش‌ها را با من در میان گذاشته‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

«ویراستاری» و «ویرایش» هر دو به یک معناست. در این کتاب هر دو به کار رفته است. تفاوت کاربرد آن‌ها جز در حالت‌های ترکیبی، اقتضای جمله، آهنگ و موسیقی واژه در جمله و در ترکیب نیست. برخی ترکیب‌ها با «ویرایش» ممکن یا مستحسن است، و برخی با «ویراستاری»،

اما در این کتاب از واژه «ویراستار» و «ویراستاری» بیشتر استفاده شده است، نه از واژه‌های «ویرایشگر» و «ویرایشگری».

تکرار برخی مضمون‌ها و نکته‌ها در مجموعه‌ای که اجزای آن در زمان‌ها، مکان‌ها و به مناسبت‌های مختلف نوشته شده، ولو به بیان و با تعبیرهای کم‌وبیش متفاوت، اجتناب‌ناپذیر است. ساختار نوشته این‌گونه تکرارها را معمولاً ایجاب می‌کند. در این کتاب در حد امکان کوشش شده است، تا جایی که به ساختار مطلب خللی راه نیابد، موارد تکراری حذف شود.

شاید در نگاه نخست به نظر برسد که مخاطبان اصلی این کتاب ویراستاران، ناشران و دانشجویان دوره‌های نشر و ویراستاری‌اند، اما تجربه عملی نشان داده است که ناشران کمتر از دیگران به این‌گونه آثار توجه می‌کنند، اما جدی‌ترین و علاقه‌مندترین خوانندگان منابع مربوط به نشر و ویرایش، جوانان کنجکاو و جستجوگر هستند. بازتاب‌هایی که طی سال‌های گذشته از سوی آنان دیده شده، این امید را در دل من هم پرورانده است که از میان آن‌ها پژوهشگران، ناشران و ویراستاران هدفمند و باانگیزه‌ای برمی‌خیزند و با پژوهش‌ها و فعالیت‌هایشان به کالبد نشر و ویراستاری ما روح تازه‌ای می‌دمند. ویراستاری زیرشاخه‌ای از نشر است و شکوفایی و باروری همه زیرشاخه‌ها به توان تولیدی نشر وابسته است. امیدوارم روزی شاهد نشری شکوفا و بارور در کشورمان باشیم. نشر شکوفا و پررونق می‌تواند فرهنگ ما را گلباران کند.

در پایان از واحد تحریریه انتشارات ققنوس سپاسگزاری می‌کنم که این کتاب را با دقت و وجدان کاری بررسی و برای نشر آماده‌سازی کرده است، نیز از مهناز مقدسی، لیلیا زارع و هومن عباسپور ممنونم که بخش پرسش و پاسخ پایان کتاب به اهتمام آن‌ها و با همکاری صمیمانه‌شان تنظیم و تدوین شده است.

ع.آ.

تهران، تابستان ۱۴۰۱

تعریف پایه، مرزی جداکننده

واژه‌هایی که از مصدر «ویراستن» و از اسم مصدر «ویرایش» در زبان فارسی ساخته شده است، مانند ویراستار/ی، ویرایشگر/ی و ترکیبات دیگر، تا دهه ۱۳۴۰ش در زبان فارسی نبود، و حتی تا مدتی پس از ساخته شدنشان هم به کار نمی‌رفت. شاخه مؤسسه انتشارات فرانکلین که در دهه ۱۳۳۰ش در ایران تأسیس و مقابله ترجمه‌ها با اصل آن‌ها آغاز شد، به مقابله‌گران ترجمه «ادیتور»^۱ گفتند. نام بخشی که ادیتورها در آن کار می‌کردند و بعدها توسعه یافت، و در دوره مدیریت کریم امامی (۱۳۴۷-۱۳۵۴ش)، جانشین حمید عنایت و محمود بهزاد، در همان مؤسسه به اوج اعتبار و شهرت خود رسید، «بخش ادیتوریال»^۲ نام داشت. در واقع ترکیبات با واژه انگلیسی «ادیت»^۳ بود که به کار می‌رفت. در سال ۱۳۵۱ که کارم را در همان مؤسسه آغاز کردم و به عضویت بخش ادیتوریال پذیرفته شدم، عنوانم در حکم استخدامی «ادیتور آسیستان»^۴ بود، اما در ۱۳۵۴ که شاخه فرانکلین تهران به کار خود پایان داد، و بخش‌هایی از فرانکلین ضمیمه دانشگاه آزاد ایران شد، در حکمی رسمی که به من دادند، این عنوان به کار رفته بود: «آقای... ویراستار مسئول مرکز مراجع».

در دهه ۱۳۴۰، گویا استادان محمد مقدم و صادق کیا، استادان زبان‌های باستانی در دانشگاه تهران، از مصدر ویراستن/پیراستن، ترکیباتی را پیشنهاد کردند که امروزه در زبان فارسی رایج شده است. پیشنهاد آنان در دهه ۱۳۵۰ کاربرد محدودی داشت، اما پس از انقلاب رواج عمومی یافت و به تدریج از حوزه نشر کتاب فراتر و در نشریات به کار رفت. سپس جزو مجموعه واژگان رایانه‌ای هم قرار گرفت و ترکیبات بیشتری با آن ساخته شد. به رغم این کاربرد گسترده، دامنه معنایی ویراستار در زبان فارسی با دامنه معنایی ادیتور در زبان انگلیسی یکی نیست. به همین سبب، چه در بحث نظری درباره ویرایش و چه از جنبه عملی، دشواری‌ها، تفاوت برداشت‌ها و حتی سوء برداشت‌هایی به بار آمده است، و این همان نکته‌ای است که این فصل از کتاب به قصد توضیح دادن آن نوشته شده است.

ویرایش/ویراستاری کتاب از زیرشاخه‌های نشر کتاب است. نشر در سده ۱۹م در بعضی کشورهای غربی مانند انگلستان و فرانسه، و پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم در سده ۲۰م به ویژه در آمریکا گسترش و توسعه بی‌مانندی یافت. شرکت‌های انتشاراتی بسیاری با سرمایه‌های هنگفت تأسیس شدند که شماری از آن‌ها سهام خود را در بازار بورس به خریداران می‌فروختند و هنوز هم این روند ادامه دارد. در نتیجه، سرمایه‌گذاران برای اداره امور نشر و واگذار کردن مسئولیت مدیریت و بخش‌های مختلف فعالیت گسترده انتشاراتی، کسانی را به خدمت گرفتند و می‌گیرند که به آن‌ها «ادیتور» (= ویراستار/ویرایشگر) می‌گویند. کسی که مؤسسه انتشاراتی را اداره کند به او «ویراستار مدیر» می‌گویند. کسی که بخش ویراستاری را اداره کند و شماری ویراستار زیر نظر او کار کنند «سر ویراستار» نامیده می‌شود. کسی که مسئولیت تدوین و انتشار مجموعه‌ای از کتاب‌ها را بر عهده داشته باشد «ویراستار مجموعه» است. مسئولان امور حقوقی، مالی و قراردادهای هم به ترتیب «ویراستار حقوقی»،

«ویراستار مالی» و «ویراستار قراردادهای» نامیده می‌شوند. بنابراین، ویراستار در مؤسسه انتشاراتی فرنگی نامی عمومی است که به نیروهای فنی مراحل مختلف تولید کتاب اطلاق می‌شود. زمانی که از نشرویرا/ویراستار نشر^۱ سخن به میان می‌آید، مراد کسی است که یکی از وظایف یادشده را انجام می‌دهد؛ در حالی که ویراستار در زبان فارسی به کسی گفته می‌شود که متنی را، اعم از تألیف یا ترجمه، ویرایش می‌کند. ویراستاران به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. نشرویرا/ویراستار نشر

۲. کتاب‌ویرا/ویراستار کتاب^۲

نشرویرا خاص نشرهای بزرگ و توسعه‌یافته است. در نشرهای کوچک و توسعه‌نیافته، که صاحب، مالک، سرمایه‌گذار یا مدیر انتشاراتی وظایف مختلفی را خود شخصاً انجام می‌دهد، مانند تدوین سیاست و برنامه انتشاراتی، کتاب‌گزینی، مجموعه‌سازی، عنوان‌گزینی، مؤلف‌یابی، گفتگو، توافق و بستن قرارداد با پدیدآورندگان، نظارت بر مراحل تولید، چه چاپی و چه الکترونیکی، مدیریت نیروی انسانی، بازاریابی، تبلیغ، پخش، فروش و چه و چه، او عملاً وظایف چند نشرویرا را یک‌تنه انجام می‌دهد. در چنین نشری، از جمله در نشر کشور ما، ویراستار به کسی گفته می‌شود که کتاب را ویرایش می‌کند (= کتاب‌ویرا). این ویراستار با جنبه‌های دیگر فعالیت نشر، که نام بردیم، هیچ کاری ندارد. در حقیقت، نشر کوچک با سرمایه محدود در اختیار مالک یا مدیر نشر است و مجالی برای توسعه فعالیت ویراستاری در معنای گسترده آن و دامنه معنایی و تفکیک ویراستاران به دو دسته اصلی نیست.

در نشر توسعه‌یافته به ویراستارانی برمی‌خوریم که ممکن است اصلاً دست به قلم نبرند، یا انگشت روی شستی‌های رایانه نگذارند. در

اصطلاح انگلیسی بریتانیایی، به این دسته «ویراستارانِ مبل‌نشین»^۱ می‌گویند و ممکن است شماری کتاب‌ویرا زیر نظر آن‌ها کار کنند که اصطلاحاً به آن‌ها «ویراستار میز نشین؛ یا پشت‌میز نشین»^۲ گفته می‌شود. این‌ها هستند که کتاب‌ها را ویرایش می‌کنند. می‌توان کار ویراستار مبل‌نشین را، که حتماً ویراستاری باتجربه، کار دیده، نشر شناس، مؤلف شناس، مخاطب / خواننده شناس، بازار شناس، و نیز دارای اطلاعات کافی دربارهٔ جامعه، فرهنگ، آموزش، پژوهش و جز آن است، به کار مسئول گروه جراحی تشبیه کرد که دست به تیغ و چاقو نمی‌زند، بلکه بر عمل جراحی و طرز کار جراحان نظارت دارد و در موارد لازم رهنمود می‌دهد. ویراستار مبل‌نشین به تعبیر انگلیسی، یا نشرویرا به تعبیر آمریکایی، در نشر کوچک و توسعه‌یافته نیست و خاص نشرهایی است که به آن اشاره شد.

جنبهٔ دیگر اختلاف دامنهٔ معنایی ویراستاری این است که فعالیت مربوط به تصحیح متون، از تصحیح ساده گرفته تا تصحیح انتقادی همراه با پژوهش و افزودن توضیحات، حواشی، اضافات، ملحقات و جز آن، که در کشور ما تحقیق و تتبع ادبی به شمار می‌آید، در زبان انگلیسی با عنوان «ادیت» از آن یاد می‌شود. در این زبان برای متنی که در معنای ساده یا گستردهٔ کلمه تصحیح شده باشد، عبارت «ادیتد بای»^۳ (ویراسته / ویرایش) فلان کس به کار برده می‌شود. در حالی که اگر، برای مثال، در عنوان کتاب جهانگشای جوینی بنویسند «ویراستهٔ محمد قزوینی»، یا «ویراستار: محمد قزوینی»، تلقی رایج این خواهد بود که او فقط جنبه‌های صوری آن اثر را ویرایش کرده، با محتوا کاری نداشته، کوشش پژوهشی و دقت‌ورزی‌های ادبی و تاریخی او نادیده گرفته شده، و لاجرم ارج و اجر کار او تنزیل داده شده است؛ و این هم ناشی از تفاوت دامنهٔ معنایی ویرایش در این دو زبان است.

این تفاوت معنایی در دو زبان، از همان بدو ورود واژهٔ «ادیت» به زبان

فارسی آغاز شد. در همان سال‌هایی که واژه ادیت را به کار می‌بردند، دانش فنی نشر در ایران بسیار ناچیز بود؛ حتی یک کتاب پایه درباره اصول و مبانی نشر و ویراستاری به زبان فارسی منتشر نشده بود؛ کسی را نمی‌شد یافت که تحصیلات تخصصی در زمینه نشر داشته باشد؛ نشر کشورهای توسعه‌یافته را از دور به واسطه و به طور محدود می‌شناختند؛ یک نفر هم نرفته بود در مؤسسه‌های انتشاراتی بزرگ مدتی کار کرده، تجربه اندوخته و با روند نشر از نزدیک آشنا شده باشد. در نتیجه، واژه‌ها و اصطلاح‌هایی که از نشر پیشرفته وام می‌گرفتند، با دامنه معنایی اصل آن‌ها تطابق نداشت، بعد هم تطابق نیافت و همین ناهمخوانی تا زمان ما ادامه یافت.

اما رشد و توسعه نشر در گرو ترکیب اندیشه، طرح، مضمون‌های تازه و جاذب، سرمایه‌گذاری، ابتکار و نوآوری، هنر و فناوری، مخاطب‌یابی و مخاطب‌آفرینی و گشوده شدن چشم‌اندازهای تازه فراروی نشر است. پیداست که نشرهای کوچک با ساختارهای مختصر چنین ترکیبی را اقتضا نمی‌کند. البته ممکن است ناشر کوچکی اثر اندیشه‌برانگیز مهمی را منتشر کند و از این راه تأثیر گسترده‌ای هم بر جامعه بگذارد، اما به‌ندرت ممکن است که مجموع ناشران کوچک عاملان عمده خلق آثار بزرگ، یا پاسخگوی اصلی‌ترین نیازهای جامعه به طور کلی باشند. آن‌ها می‌توانند اثر بزرگ و تأثیرگذاری را منتشر کنند که پدیدآورنده‌ای به آن‌ها پیشنهاد انتشار بدهد، اما بیش از این، در زمره استثناها قرار می‌گیرد.

علت این‌که ویراستاران تازه‌کار یا دانشجویان ویراستاری ما در تعریف قلمرو ویراستاری با مشکل روبه‌رو می‌شوند پیش‌پنداری است که از نشر توسعه‌نیافته دارند و آن را به همه نشرها در سراسر جهان تعمیم می‌دهند. در نخستین نشست همه دوره‌هایی که تا کنون این بنده در آن‌ها ویراستاری تدریس کرده است، هر بار به دانشجویان تأکید کرده است که شناخت درست ویراستاری کتاب بدون شناختی کافی از نشر امکان‌پذیر

نیست، و ویراستاری که نشر را خوب نشناسد، معلوم نیست ویرایش او چگونه از کار درمی آید، اما هر بار هم، بی استثنا، با تعجب یا استفهام دانشجویان روبه‌رو شده است؛ به این سبب که در ذهن آن‌ها رابطه مستقیمی میان نشر و ویرایش برقرار نبوده است.

تمیز دادن تفاوت میان نشر و ویرایی و کتاب‌ویرایی، و نیز مرزهای دیگر در نشر و ویراستاری، زمانی از جرگه متخصصان بیرون می‌آید و به بخش‌های دیگری از جامعه تسری می‌یابد که نشر از ورطه توسعه‌نیافتگی‌های یابد و به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کند. نشر توسعه‌یافته به سرمایه‌های کلان، به تخصص‌های بسیار، به مخاطبان علاقه‌مند کتابخوان، و به بازار پررونق خریداران کتاب نیازمند است. در نتیجه، چنین نشری ساختاری را اقتضا می‌کند که سرمایه، اندیشه، طرح و تخصص بتواند در آن به گردش و به خدمت درآید. این ساختار اجازه نمی‌دهد کسی در رأس ساختار نشر قرار بگیرد که نتواند میان عنصرهای تشکیل‌دهنده ساختار هماهنگی ایجاد کند. سرمایه‌گذاری بزرگ می‌تواند سازمان انتشاراتی به وجود بیاورد، سرمایه‌گذار در رأس آن قرار بگیرد و مستقیماً مدیریتش را اعمال کند - در نشر توسعه‌یافته بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته چنین ناشرانی کم نیستند - اما او در صورتی می‌تواند تشکیلات انتشاراتی‌اش را درست بگرداند که بخش‌های مختلف تشکیلات او را نشر ویرایان مدیریت کنند، ویراستارانی که هم نشر را خوب می‌شناسند و هم به گونه‌های ویرایش و انواع شیوه‌های آن‌ها تسلط دارند و خود نیز دست‌کم در یک حوزه متخصص هستند.

مانع‌ها و محدودیت‌های نشر توسعه‌یافته امکان نمی‌دهد که کتاب‌ویرایان به نشر ویرا تبدیل شوند. ساختار چنین نشری معمولاً راه را بر پیشرفت آن‌ها می‌بندد. در جامعه‌هایی که روند توسعه عمومی به‌سختی و به‌کندی صورت می‌گیرد، این تبدیل هم به‌آسانی ممکن نیست. ایران در چشم‌انداز گسترده و دور در شمار این دسته از جامعه‌ها

قرار نمی‌گیرد، زیرا از دیدگاه اقتصاددانان، متخصصان و تجربه‌های عملی توسعه، امکانات بالقوه توسعه این سرزمین بسیار زیاد و بسیار نیرومند است و سرانجام روزی این امکانات بالقوه به فعلیت درمی‌آید.

بن‌بست در نشر فقط می‌تواند به سود ناشران اندک‌شماری باشد که بتوانند بازار ثابتی را در انحصار خود بگیرند و به حیات خود ادامه دهند. نشر، بنا به سرشتش، گستره آفرینش‌ها، پژوهش‌ها، نوآوری‌ها، عرصه‌گشایی‌ها، راهیابی‌ها و برقرار کردن پیوند میان گذشته و اکنون و آینده است. در عین حال، رشد و توسعه نشر با آن دست‌ناشرانی آغاز می‌شود که نیروهای درونی و بالقوه نشر را درست و به‌موقع بشناسند و تکاپوهای خود را با آن‌ها هماهنگ کنند. همین ناشران هستند که به نشروریرایان نیازمندند و فرق آن‌ها را با کتاب‌ویرایان تشخیص می‌دهند. ویراستاران طرفدار رشد و توسعه هم با این دسته از ناشران همراه می‌شوند. این همراهی به سود نشر در حال تحول است، اما سود مشترک نیست. سود مشترک زمانی به دست می‌آید که همه کسانی که در فرایندهای تولیدی نشر شرکت، دخالت یا نقش و سهمی دارند، از پدیدآورندگان گرفته تا خوانندگان، هر کدام به تناسب نقش خود، از آن رشد و توسعه بهره‌مناسب خود را بگیرند. سود متناسب ویراستاران زمانی عاید خواهد شد که نقش ویراستارانه را نشر به آن‌ها واگذار نکند، بلکه خود آن‌ها بتوانند نقش نشر را تعیین کنند. ایفای چنین نقشی میسر نخواهد شد، مگر آن‌که بخشی کافی از ویراستاران از کتاب‌ویرایی به نشرویرایی تغییر نقش دهند. این تغییر نقش با آموزش، خودآموزی، بازآموزی، پژوهش، بررسی‌های تطبیقی، آشنایی با روندهای رشد و توسعه، تسلط بر جنبه‌های مختلف نشر و توجه به ارتباط همه این عامل‌ها با زمینه‌های تأثیرگذار بر آن‌ها امکان‌پذیر است.

گونه‌های ویرایش و ویراستاران درآمدی به تقسیم‌بندی

۱. درآمد

تقسیم‌بندی و نشان دادن رابطه میان کل و جزء، اجزا با هم، و تعیین کردن جایگاه هر جزء در هر حوزه‌ای معمولاً زمانی میسر است که حوزه در دست تقسیم شناخته شده باشد، یا شناخت درباره آن به حدی برسد که بر پایه آن شناخت بتوان تقسیم‌ها و دسته‌بندی‌ها را انجام داد. چنین شناختی درباره ویرایش در زبان فارسی هنوز موجود نیست و آن مقداری هم که به عنوان حاصل کار و تجربه شماری از ویراستاران موجود است، یا با اتفاق نظر روبه‌رو نیست، یا بر پایه مفروض‌های مسلم و بدیهی انگاشته، پیش‌پنداشته‌های نقادی نشده، اطلاعات نا کافی، یا بدون توجه به مطالعات نظری، مبنای صدور حکم قرار گرفته است. تلقی از بداهت، تا بدان‌جا که راه را بر تحلیل و نقادی می‌بندد، فقط خاص ویرایش و سایر جنبه‌های نشر نیست، بلکه رشته‌های بسیاری با آن دست‌به‌گریبان، و از این رو پیشرفت آن‌ها با دشواری دست‌به‌گریبان است.

تقسیم‌بندی کارآمد، به ترتیبی که بتواند در محدوده‌ای از زمان به نیازها پاسخ بگوید و مرزها و حدود را درست بشناساند، فایده‌هایی

جنبی دارد که چه بسا از خود اصل بیشتر باشد. همین که در جامعه ما و اکنون به درستی نمی‌توان جایگاه و ارزش ویرایش و ویراستار را در روند عمومی تولید آثار تعیین کرد، یا این‌که معیار پذیرفته و توافق‌شده‌ای در دست نیست که حاصل کار ویرایش را چگونه باید ارزیابی یا مزد آن را تعیین کرد، یکی از نشانه‌های طبقه‌بندی نشدن ویرایش است. تشّت در تعریف ویرایش، از پیامدهای نداشتن طبقه‌بندی و مشخص نبودن مرز گونه‌های ویرایش و معلوم نبودن تفاوت‌های آن‌ها هم هست. تا معلوم نباشد که هر گونه‌ای از ویرایش چقدر کار و زمان می‌برد و به چه دانش‌ها و تخصص‌هایی نیازمند است، تخصیص ارزش، به هر معنا، اگر امکان‌پذیر نباشد، مطمئناً بسیار دشوار است. و از همه این‌ها گذشته، بدون شناخت نظری کافی، به نتیجه عمل هم نمی‌توان اطمینان داشت.

به گمان عده بسیاری، ویرایش شاخه‌ای است از ادبیات. در جامعه ما، و به‌ویژه در سال‌های اخیر، و بالاخص پس از اجرای سیاست‌های ناسنجیده و اقدامات بی‌رویه در تکثیر مصنوعی ناشران و کوشش در راه نشان دادن ازدیاد آمار آن‌ها و آمار کتاب و نشریه، عده قابل‌توجهی به خود حق داده‌اند به صرف بهره‌ای از تحصیل یا تجربه در حوزه ادبیات فارسی، یا آشنایی با زبانی خارجی و توان مقابله ترجمه و متن، خود را ویراستار بنامند و به عملیاتی که در اثری انجام می‌دهند نام ویرایش بنهند و آن را به گونه‌ای تعمیم بدهند که هر گونه ویرایشی، و همه گونه‌های ویرایش - البته اگر تصویری یا اطلاعی از آن‌ها داشته باشند - در دایره تعمیم آن‌ها قرار گیرد. این تعمیم مدام صورت می‌گیرد و تلقی رایج به عنوان واقعیت مسلم و بدیهی مبنای انواع تصمیم‌گیری‌ها درباره ویرایش واقع می‌شود، و در نتیجه ما را همچنان از واقعیت دور نگه می‌دارد؛ در عین حال راه را بر پژوهش یا مطالعه و دست یافتن به نظر سنجیده درباره ویرایش می‌بندد. البته پیامدهای دیگری هم هست که خاص ویرایش

نیست و بر هر حوزه‌ای که راه مطالعات نظری در آن به سبب برداشت نادرست بسته باشد عارض می‌شود. پندار و گمان، یا حتی توافقی که ضمانت بقای آن حفظ کردن منفعت جمعی از مردم باشد، اگر مبنای داوری قرار گیرد، همین وضعی را به بار می‌آورد که ویرایش دستخوش بَلِشو به آن گرفتار شده است.

قلمرو ویرایش در معنای گسترده آن شاخه‌ای از ادبیات نیست، هرچند که گونه‌ای از ویرایش که در زبان فارسی آن را «ویرایش ادبی»، «ویرایش زبانی» و با تعبیرهای دیگر می‌نامند، و کاربردها و دامنه آن بسیار گسترده هم هست، از یافته‌ها، دستاوردها و قوانین زبان و ادب بهره‌مند است و پیروی می‌کند. اما ویرایش در معنای گسترده واژه، فقط از این‌ها و در حوزه ادب استفاده نمی‌کند. هر دانسته‌ای و یافته‌ای که به گونه‌ای به ارتباط نوشتاری، چه ارتباط از طریق خط و چه ارتباط از راه نماد و نشانه دیداری - و حتی شنیداری - مربوط شود، به ویرایش مربوط است. ویرایش به این سبب و برای این مقصود پدید آمده و توسعه یافته است که ارتباط میان پدیدآورنده و خواننده، یا به تعبیر امروزی میان پدیدآورنده و بیننده - شنونده، را تسهیل کند، به مفاهمه یاری برساند، و کمک کند که پیام به معنای گسترده واژه به نقطه هدف درست برخورد کند. از این رو، در روند داد و گرفت پیام، همه دانش‌ها، فرایندها، سازوکارها، فناوری‌ها، و تدبیرهایی که به گونه‌ای با مبحث ارتباط، پیام‌رسانی، اطلاع‌رسانی و زمینه‌های وابسته به آن‌ها مرتبط باشد، با جنبه‌های نظری و عملی‌شان، به ویرایش ربط می‌یابد.

ویرایش هم‌اکنون یکی از شاخه‌های علوم نشر^۱ است، مجموعه‌ای از علوم نظری و عملی که با هم ترکیب یافته یا در کنار هم قرار گرفته و هدف آن شناخت قلمرو نشر در معنای گسترده کلمه و کاربرد درست دانش‌ها در این

قلمرو است. ویرایش هم دانش است و هم مهارت و هنر. بحث‌های مربوط به شناخت نظری ویرایش، رهاورد چندین معرفت، علم و دانش، فن و تخصص در رشته‌های مختلف است. علم معانی و بیان، از ریطوریکای یونانی تا بحث‌های معنایی و شناختی پسامدرن، دستور زبان از قدیم تا تحلیل‌های زبانی مبتنی بر دیدگاه‌های جدید زبان‌شناسی، دیدگاه‌های گشتالتی در روان‌شناسی، نظریه‌های علوم ارتباطات و اطلاع‌رسانی، دیدگاه‌هایی در انسان‌شناسی فرهنگی، بحث‌های زیبایی‌شناختی، نظرگاه‌های مربوط به تحلیل متن و مباحث هرمنوتیکی جدید، روان‌شناسی مطالعه و درک متن، فناوری‌های الکترونیکی و متن‌پردازی، فناوری‌های تولید اثر، چه چاپی و چه غیرچاپی، و بسیاری دانش‌ها، مباحث، مفاهیم و مهارت‌های دیگر، بنیادهایی است که ویرایش بر پایه آن‌ها استوار شده است. بحث نظری مربوط به هر یک از این‌ها در حوزه‌های خود آن‌ها انجام می‌گیرد. در بحث‌های شناختی ویرایش به همه آن مباحث توجه و از یافته‌ها و دریافته‌های آن‌ها استفاده می‌شود. پیداست در اوضاع و احوالی که همه این حوزه‌های نظری به تأثیر از تغییرات، و نیز به تأثیر از هم، در حال گسترش و تولید نظر و مفهوم جدید هستند، محدود کردن ویرایش به دایره کوچکی از فعالیت، و منحصر ساختن زمینه‌های نظری آن به حاصل یک مهارت، تا چه حد می‌تواند کوتاه‌بینانه، غیرواقع‌بینانه و زیانبار به حال پیشرفت ویرایش باشد.

بازنگری در تعریف‌ها و تلقی‌ها از ویرایش ضرورت دارد. البته مادام که ویرایش و سایر شاخه‌های نشر از نظام‌های آموزشی و پژوهشی بهره‌مند نباشند، تغییر در برداشتی که بتواند تأثیر مناسب خود را برجای بگذارد ممکن نیست، یا به سادگی ممکن نیست. با این حال، دانش و معرفت مرز نمی‌شناسد و به سیر خود ادامه می‌دهد و ویرایش هم از قاعده آن برکنار نیست و دیر یا زود ضرورت تلقی درست از آن احساس خواهد شد، اگر که سیر نشر به سمتی باشد که بخواهد کارکردهای خود را، مانند هر نشر

دیگری در جهان که مسیر بهنجاری را می‌پیماید، درست انجام دهد.

۲. رسانه و ویرایش

رسانه‌های نشر در گذر تاریخ تغییر کرده است، و اکنون، پس از انقلاب الکترونیکی، و به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ به بعد که نشر الکترونیکی، نشر فارغ از چاپ و نشر فارغ از رسانه‌های سخت گسترش یافته و انواع رسانه‌های الکترونیکی پدیدار شده است، ویرایش به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱-۲. ویرایش در محیط رسانه‌های کاغذی.

۲-۲. ویرایش در محیط رسانه‌های غیرکاغذی.

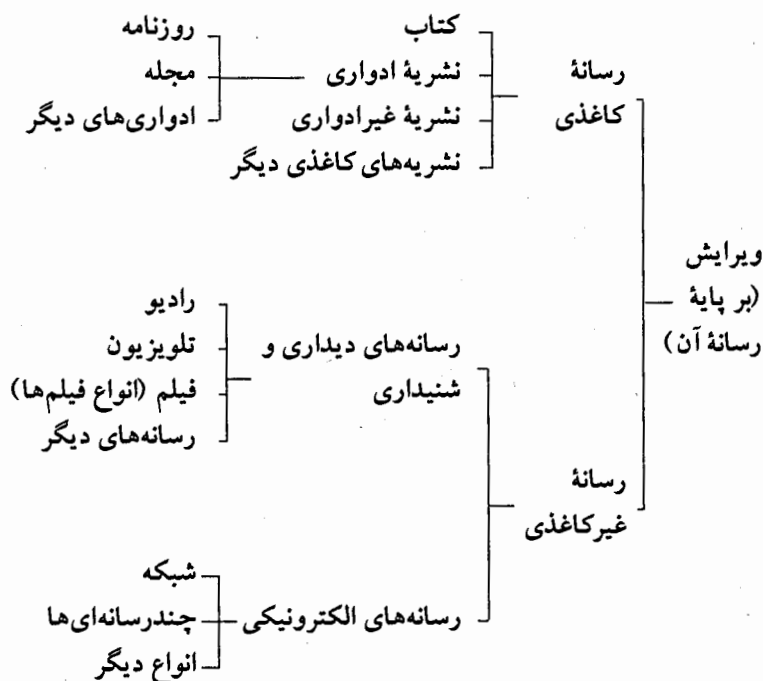
دسته ۲ خود به دو دسته فرعی دیگر تقسیم می‌شود:

۱-۲-۲. ویرایش در محیط رسانه‌های دیداری و شنیداری.

۲-۲-۲. ویرایش در محیط الکترونیکی.

ویرایش در رسانه‌های کاغذی به چند دسته تقسیم می‌شود که موضوع اصلی بحث این قسمت است و به جزئیات آن اشاره خواهد شد. ویرایش در رسانه‌های غیرکاغذی موضوعی است جدید و ظاهراً در زبان فارسی تاکنون موضوع بررسی جامع و خاص قرار نگرفته است. اشاره‌های گذرایی به برخی جزئیات شاخه‌هایی از این ویرایش در نوشته‌ها می‌توان یافت، اما مطلب جامع و منظمی که به شرح دقیق این شاخه‌ها بپردازد فعلاً در دست نیست. از این گذشته، کسی را هم سراغ نداریم که متخصص، کارشناس، یا پژوهشگر عرصه ویرایش در رسانه‌های غیرکاغذی باشد. در هر حال، این کاستی هم دیر یا زود باید برطرف شود؛ به‌ویژه آن‌که اگر سامانه آموزشی نشر و ویرایش برقرار گردد، حتماً به استادانی نیاز هست که بتوانند این شاخه‌های ویرایش را تدریس کنند.

تقسیم‌بندی ویرایش را تا این‌جای بحث می‌توان به طور خلاصه در نمودار شماره ۱ دید.



نمودار ۱. تقسیم بندی ویرایش بر پایه رسانه

ویرایش در رسانه های کاغذی به ۴ دسته فرعی تقسیم می شود:

۱-۱-۲. ویرایش کتاب.

۲-۱-۲. ویرایش نشریه ادواری (روزنامه، هفته نامه، ماهنامه و انواع

مجله هایی که با فاصله های زمانی ثابت یا منظم منتشر می شود).

۳-۱-۲. ویرایش نشریه غیر ادواری (نشریه هایی که تداوم دارد، اما

فاصله زمانی انتشار آن ها معلوم نیست، مانند آثاری که در یک موضوع، در

یک سلسله، یا با اختصاصات یکسان یا مشابهی انتشار می یابد).

۴-۱-۲. ویرایش هر گونه متن دیگری که روی کاغذ انتشار می یابد

(مانند جزوه، بروشور، اطلاعیه، اعلان، دیوارکوب و انواع دیگر).

ویژگی مشترک این ۴ دسته، متن نوشتاری بر رسانه کاغذی است، چه چاپی و چه متن تکثیر: متن تکثیرشده به وسیله چاپ، فتوزیراکس، ریسوگراف یا هر وسیله تکثیر دیگر. وسیله و نوع تکثیر تفاوت چندانی در اصل مطلب ایجاد نمی‌کند، به‌ویژه آن‌که فناوری‌های جدید بر ابزارها، شیوه‌ها و انواع تکثیر می‌افزاید. مهم ویرایش در رسانه‌ای است که - چه با قلم و روی کاغذ و چه به کمک رایانه و فناوری‌های رایانه‌ای - حاصل آن انتشار بر کاغذ یا مواد کاغذگون است.

ویرایش در روزنامه‌ها، مجلات، نشریه‌های علمی-تخصصی، پژوهشی، انتشارات داخلی سازمان‌ها به صورت محدود، آگاهی‌نامه‌های عمومی‌تر و ویرایش متن‌های مختلفی که روی کاغذ یا مواد مشابه آن انتشار می‌یابد، هر کدام ویژگی‌های خود را دارد. در این جا بحث بر سر این ویژگی‌ها نیست، بلکه درباره اشتراکاتی است که در رسانه کتاب مد نظر است و در آثار کاغذی دیگر هم مراعات می‌شود. از این رو، بحث را به سمت ویرایش کتاب در مؤسسه‌های نشر یا بیرون از آن‌ها سوق می‌دهیم.

۳. ویرایش در رسانه کتاب

ویراستاران در تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

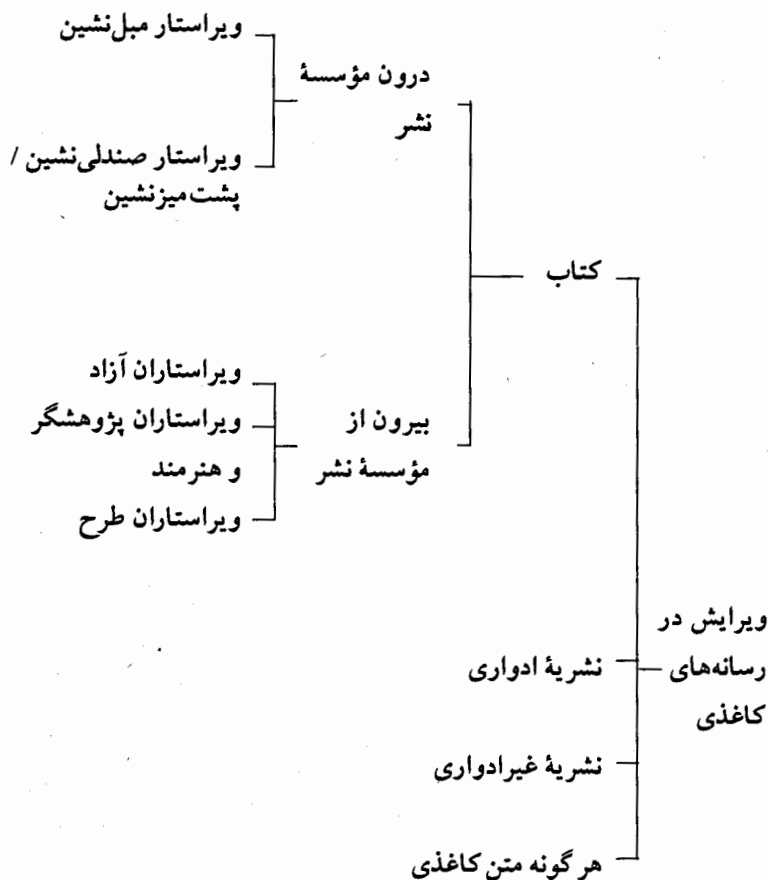
۱. نشر ویرایان (ویراستارانی که بخش‌های مختلف مؤسسه‌های انتشاراتی را اداره می‌کنند).

۲. کتاب‌ویرایان / ویراستاران کتاب.

ویراستاران کتاب یا در مؤسسه‌های نشر کتاب و به عنوان فردی موظف (چه تمام وقت و چه پاره وقت) کار می‌کنند یا بیرون از آن‌ها. دسته اول را براساس برخی تقسیم‌بندی‌ها به دو نوع تقسیم می‌کنند:

۳-۱. ویراستار مبل‌نشین

۳-۲. ویراستار صندلی‌نشین یا پشت‌میزنشین



نمودار ۲. ویرایش در رسانه کاغذی

ویراستار مبل نشین اصطلاحاً به ویراستار باتجربه و بسیار مسلطی می‌گویند که نشر به نظر نقادانه، ارزیابانه، به اشراف و نظارت، طرح و ابتکار، سرپرستی و به طور کلی به چشم، نگاه و نظر نقادانه و ارزش شناس او نیاز دارد، نه به قلم و دست او. ممکن است قلمش بر

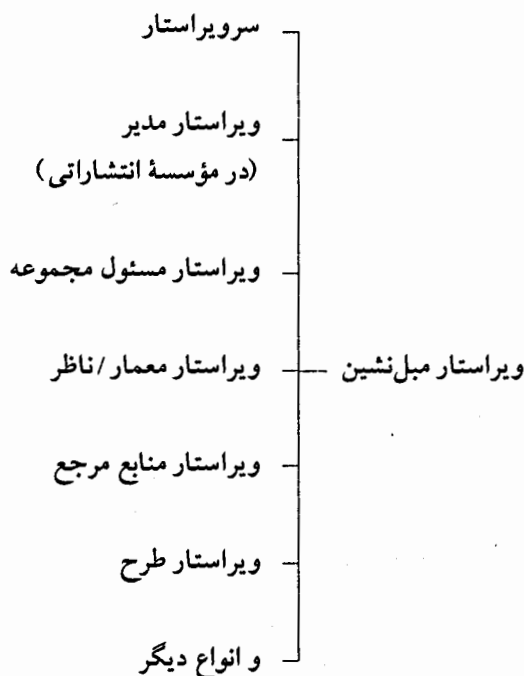
کاغذ یا انگشتش بر شستی‌های رایانه بیاید یا نیاید. رئیس گروه جراحی ممکن است دست به تیغ نبرد و فقط بر اعمال جراحی نظارت کند و نظر بدهد. مهم رأی و تصمیم اوست، نه عمل او. این نوع ویراستار، که در کشورهای مولد نشر کم‌شمار نیست، به چند دسته قابل تقسیم است، از جمله:

- ۳-۱-۱. سرویراستار^۱
- ۳-۱-۲. ویراستار مدیر^۲
- ۳-۱-۳. ویراستار مسئول مجموعه^۳
- ۳-۱-۴. ویراستار معمار/ناظر^۴
- ۳-۱-۵. ویراستار منابع مرجع
- ۳-۱-۶. ویراستار طرح^۵
- ۳-۱-۷. و انواع دیگر (نگاه کنید به: نمودار ۳).

و اینک شرحی کوتاه درباره هر یک:

– سرویراستار در مؤسسه نشر کتاب می‌تواند دارای مسئولیت حداقل تا حداکثر باشد. مسئولیت حداقل شامل سرپرستی ویراستاران و عناصر حوزه تولید فرهنگی است (از قبیل ویراستاریاران/دستیاران ویراستار، نمایه‌سازان، نمونه‌خوانان و نظایر آنها). مسئولیت حداکثر می‌تواند اداره تشکیلات نشر از جانب مالک نشر، گروه سرمایه‌گذاران، هیئت‌مدیره و نظایر آن باشد. با توجه به ساختار نشر در کشورهای مختلف، دایره مسئولیت سرویراستار تغییر می‌کند. مسئولیت سرویراستار در مؤسسه‌های ایرانی معمولاً از نوع حداقل است. در ضمن، اصطلاح «سرویراستار» که در تشکیلات برخی از مجلات و روزنامه‌های ایران به کار می‌رود اصلاً دقیق

نیست و مسئولیت‌های این‌گونه از افراد موسوم به «سر ویراستار» به کلی با مسئولیت‌های سر ویراستار در مؤسسه‌های انتشاراتی تفاوت دارد.



نمودار ۳. انواع ویراستار مبل‌نشین

— ویراستار مدیر، یا ویراستار مسئول، یا ویراستاری که با اصطلاح‌هایی شبیه این‌ها نامیده می‌شود، به مدیری اطلاق می‌شود که تشکیلات نشر را اداره می‌کند. حتی ممکن است او اصلاً ویراستار کتاب نباشد، اصطلاح ویراستار (ادیتور) در زبان انگلیسی، و همان‌طور که پیش‌تر در آغاز کتاب اشاره شد، به همه کسانی گفته می‌شود که سه مرحله اصلی تولید در نشر

(تولید فرهنگی، تولید فنی-هنری، و تولید چاپی و الکترونیکی) یا یکی از این مراحل را سرپرستی و اداره می‌کنند؛ و حتی به مدیری که شاخه‌ای از تولید اثر را اداره کند اصطلاحاً ویراستار می‌گویند. از این رو، ممکن است در اطلاق این اصطلاح به کسی فقط جنبه مدیریت تولیدی او در نظر باشد، اما در کاربرد دقیق، ویراستار مدیر / مسئول، ویراستاری است که مسئولیت اداره نشر و سرپرستی انتشار آثار با همه مراحل آن به او سپرده شده باشد.

— از ویراستار مسئول مجموعه ممکن است فقط این مسئولیت را بخواهند که محدوده، موضوع، عنوان، پدیدآورنده، ویراستار و طرز عمل تعیین کند و آثار تولیدشده در مجموعه را بخواند و ارزیابی کند. حتی اگر قلم او یک بار هم بر کاغذ نیاید و فقط نظرش را شفاهاً بگوید، ویراستار است و از نوع ویراستار مبل‌نشین یا ویراستار نشر / نشر ویراست؛ البته معمولاً ویراستاران مسئول مجموعه، به‌تنهایی یا به کمک همکارانی، ویرایش می‌کنند.

— ویراستار معمار / ناظر، نوعی ویراستار تکوینی است (نگاه کنید به: فصل «ویرایش تکوینی»)، با این تفاوت که ممکن است بر مراحل تکوین آثاری، از آغاز تا پایان، فقط نظارت کند، بدون آن‌که فی‌المثل نوشته‌ای میان او و پدیدآورنده رد و بدل شود. کار او شبیه طرز عمل برخی معماران سستی است که با نگاه و نظر، هماهنگی را در بنا برقرار می‌ساختند. نظر آن‌ها را بناها و سایر صنعتگران و استادکاران بنایی اعمال می‌کردند. معماری کتاب، به‌ویژه در عصر ما که مجموعه‌های عظیم اطلاعات در اختیار ناشران قرار گرفته است و می‌توانند به کمک آن‌ها آثاری جدید و بدیع بیافرینند، معناها و مصداق‌های تازه‌ای یافته است. به نظر می‌رسد بحث معماری کتاب در فضای عصر اطلاعات و ارتباطات، بحثی است که مدام بر دامنه و اجزای آن افزوده می‌شود و مطمئناً جایگاهی که ویراستاران معمار در تولید آثار خواهند داشت قابل مقایسه با گذشته نیست.

— ویراستاری منابع مرجع، مانند سرپرستی دانشنامه‌ها، فرهنگ‌ها، واژگان‌نامه‌ها، اطلس‌ها، نقشه‌ها، راهنماها و سایر آثار مرجعی است که برای تدوین و انتشار آن‌ها تشکیلات لازم است. تدوین و انتشار اثر مرجع ممکن است درون مؤسسه انتشاراتی، یا به صورت فعالیتی وابسته، اما در محلی مجزا، یا در قالب قراردادی مستقل انجام بگیرد. مدیریت، نظارت، سرپرستی و ویرایش در آثار مرجع طیف گسترده و متنوعی از فعالیت را در بر می‌گیرد. برای مثال، نقش علی‌اکبر دهخدا در لغت‌نامه، محمد معین در فرهنگ فارسی، غلامحسین مصاحب در دایرةالمعارف فارسی، احسان یارشاطر در دانشنامه ایرانیکا، حسن انوری در فرهنگ سخن نقش ویراستارانه است. این نقش ممکن است ترکیبی از مدیریت، سرپرستی، اداره امور جاری، مذاکره، عقد قرارداد همکاری، خواندن، ارزیابی و شاید هم ویرایش زبانی باشد. هرچه هست، نظارت علمی-فنی بر انتشار اثر مرجع، و به هر شکل و صورتی که این اثر منتشر شود، از مصداق‌های ویراستاری و سرویراستاری از سنخ مبل‌نشینی و نشرورایی است. ویراستاری منابع مرجع در جامعه ما هم‌اکنون به لحاظ برخی جنبه‌های نادرست سیاست یارانه‌ای و انتخاب برخی افرادی که توانایی علمی و مدیریتی آن‌ها همپای دیگر توانایی‌های آن‌ها نیست، در مواردی از معنای حقیقی خود دور شده و از این رو بازشناسی این دسته از ویراستاران را با دشواری روبه‌رو کرده است. ویرایش منابع مرجع، اگر با مراعات همه ابعاد لازم آن انجام بگیرد، نظیر کاری که غلامحسین مصاحب در دوره تصدی و مسئولیت خود انجام داد، از جامع‌ترین، پیچیده‌ترین و پرمسئله‌ترین گونه‌های ویرایش است.

— ویراستار طرح یا ویراستار پروژه، به ویراستاری می‌گویند که تولید و انتشار اثری را از آغاز تا پایان (پدید آوردن، آماده ساختن، منتشر کردن) تقبل می‌کند. برای مثال، شرکتی صنعتی که هیچ‌گونه تجربه‌ای در تدوین و انتشار آثار ندارد، می‌خواهد یکی از کالاهای خود را در یک کتاب معرفی

کند. او از طرف قرارداد خود انتخاب نویسنده، نوشتن متن، عکسبرداری، تهیه نقشه و نمودار، ویرایش، آماده‌سازی، چاپ، صحافی، یا حتی توزیع را می‌خواهد. طرف قرارداد او که ویراستار طرح است، معمولاً اثر در حال تکوین را در مراحل تعیین شده در قرارداد به رؤیت می‌رساند و تولید را تا آخرین مرحله پیش می‌برد. او ممکن است این وظیفه را با همکاری عده بسیاری انجام بدهد و فقط بر کار آن‌ها نظارت کند و حتی یک سطر هم بر کاغذ نیاورد. این شاخه از ویرایش از حیث امکاناتی که در نوآوری و ابتکار دارد می‌تواند، به‌ویژه برای ویراستارانی که توانایی‌های خود را از راه تجربه‌اندوزی ارتقا می‌بخشند، بسیار آموزنده باشد.

— انواع دیگر مبل‌نشینی و نشرویرایی در ویرایش، شامل نظارت و سرپرستی بخش‌های مختلف تولید اثر بر پایه توافق با کارفرما و بنا به موقعیت و امکانات در جوامع مختلف است.

اینک به ویراستاران صندلی‌نشین / پشت‌میزنشین و انواع آن‌ها می‌پردازیم. ویراستار صندلی‌نشین در مؤسسه‌های انتشاراتی معمولاً زیر نظر سرویراستار یا ویراستار مدیر / مسئول کار می‌کند، چه به صورت موظف یا تمام‌وقت در مؤسسه، و چه به صورت‌های دیگر و خارج از مؤسسه (آزادقلمان،^۱ نگاه کنید به: نمودار شماره ۲؛ نیز نگاه کنید به: ادامه مطلب) که ویراستارانی هستند که مستقل کار می‌کنند، خویش‌فرما هستند و ممکن است به سفارش پدیدآورنده به ویرایش بپردازند یا به سفارش سرویراستار و ویراستار مدیر / مسئول. در هر حالت، آزادقلمان، که به لحاظ تحولات الکترونیکی شمارشان رو به افزایش است، در شمار ویراستاران صندلی‌نشین‌اند. ویراستاران صندلی‌نشین (۲-۳) را می‌توان به ۵ دسته اصلی تقسیم کرد:

۳-۲-۱. ویراستار تکوینی

۳-۲-۲. ویراستار تولیدی

۳-۲-۳. ویراستار بنیادی

۳-۲-۴. ویراستار متن ویرا و متن آما

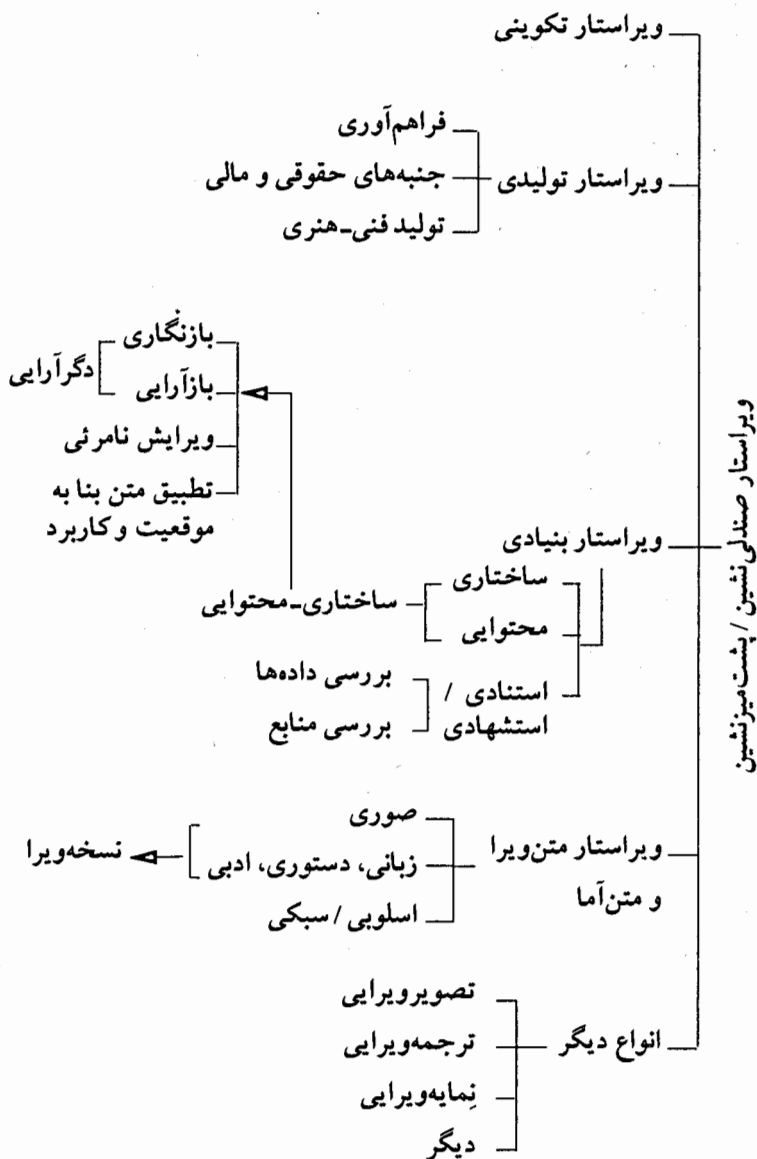
۳-۲-۵. انواع دیگر

(برای تقسیم‌بندی کلی، نگاه کنید به: نمودار شماره ۴).

۳-۲-۱. ویراستار تکوینی^۱

همان‌گونه که پیش از این به اجمال اشاره شد، ویراستاری است که بر تکوین اثر و جریان آن نظارت دارد. ممکن است حتی اندیشه تدوین اثر از او باشد، یا اندیشه از مؤسسه نشر باشد و او به نمایندگی از سوی مؤسسه با پدیدآورنده همکاری کند. نیز ممکن است که به پیشنهاد پدیدآورنده بر تکوین مراحل اثر نظارت کند. در هر حال، وظیفه او از آغاز تکوین اثر شروع می‌شود و با خاتمه یافتن آن پایان می‌یابد (برای تفصیل بیشتر، نگاه کنید به: فصل «ویرایش تکوینی»).

نکته مهم در ویرایش تکوینی، تحولاتی است که بر اثر انقلاب‌های اطلاعاتی، ارتباطی و دیجیتالی در ساختار مؤسسه‌های انتشاراتی ایجاد شده است. بسیاری از ناشران اکنون به آخرین اطلاعات حوزه فعالیت خود مجهز شده‌اند، و آن دسته که بخش بررسی و پژوهش دارند، نیازهای اکنون و آینده را شناسایی می‌کنند، برنامه تحلیل بازار می‌دهند و تولید آثاری را به سمتی هدایت می‌کنند که عرضه و تقاضا در نقطه‌ای که مطلوب ناشر است به موازنه برسد. در شرایطی که اندیشه، طرح، سرمایه و سفارش از ناشر باشد، پدیدآورنده یا پدیدآورندگان ممکن است به مولدانی تبدیل شوند که سفارش می‌گیرند و کسی از سوی کارفرما بر



مراحل کار آن‌ها نظارت می‌کند. البته این شیوه عمل را نباید به این تعبیر کرد که پدیدآورنده/ها به مجری صرف نیات ناشر تبدیل می‌شوند. احتمال دارد مواردی هم این‌طور باشد، اما معمولاً رابطه بیشتر تعاملی است و قراردادهای میان ناشر و پدیدآورنده به گونه‌ای بسته می‌شود که مقاصد هر دو طرف را تأمین کند. البته در نشر تجارتي، محاسبات اقتصادی در اولویت است و ویراستار تکوینی موظف می‌شود منافع مالی ناشر را به نحو مطلوب حفظ کند. در نشر اندیشمندانه، پژوهشی و خلاق، مقصود هر دو طرف بدون توافق و همکاری تأمین نمی‌شود و از این رو ویراستار تکوینی در این‌گونه نشرها حتماً باید همکار با تجربه و مغتنمی باشد که پدیدآورندگان از آرای کارشناسانه او استقبال کنند، و هنر ناشر در این است که کسانی را به ویرایش تکوینی بگمارد که تولید اثر را با همفکری، همکاری و هماهنگی پیش ببرند.

ویرایش تکوینی که از انواع رو به گسترش ویرایش است، بیشتر خاص جوامعی است که نشر در آن‌ها سودآور، اثرافرین و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی است که از ناشران بزرگ و صاحب سرمایه ساخته است. در نشر کوچک و غیرسودآور، ویرایش تکوینی جایگاهی ندارد. صورت غیررسمی ویرایش تکوینی، آثاری است که پدیدآورندگان با مشورت و نظرخواهی یا اشراف کسی می‌نویسند. نظارت علمی-فنی، پژوهشی و نگارشی بر پایان‌نامه‌های دانشگاهی، عناصر بسیاری از ویرایش تکوینی را در خود دارد.

۳-۲-۲. ویراستار تولیدی^۱

نظارت بر هر یک از مراحل تولید اثر در برخی از کشورها در دامنه معنایی ویرایش قرار می‌گیرد. ویراستاران تولیدی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: